

براین استرآژی،

تاریخ مهر شکست زده است!

از حدود ۴ ماه پیش که آریل شارون و دولت صهیونیستی اسرائیل، بعد از مشاوره با بوش و جلب توافق وی نابودی دولت خودگردان یاسر عرفات، سرکوب بازهم بیشتر مردم و یکسره کردن کار جنبش فلسطین را در دستور کار خویش قرارداد، ارتش اسرائیل تهاجم نظامی ادامه دار و سنگینی را علیه مردم بی دفاع فلسطین آغاز کرد. اقدامات تروریستی و جنایتکارانه علیه مردم فلسطین روز به روز تشدید گردید. "مبارزه با تروریسم!" بهانه دولت تروریستی اسرائیل و دولت تروریستی حامی آن بود. جرج بوش بارها درانظار بین المللی، ضمن ایراد سخنانی علیه عرفات و دولت خودگردان وی، حمایت رسمی و همهجانبه خود را ازدولت راست افراطی شارون و ارتش اشغالگراسرائیل اعلام کرده و براین استراتژی تاکید ورزیده بود. در راستای اجرای این استراتژی و سرکوب و کشتار باز هم بیشتر، جنگنده های اف ۱۶ اهدائی آمریکا و هلی کوپترهای توپدار، وحشیانه به گلوله باران و بمباران شهرها و مناطق فلسطینی نشین پرداختند.

عرفات در رام الله محاصره شد تا هرگونه ابتکار عمل و تحرکی از وی سلب شود. تانک ها و زره پوش های سنگین اسرائیلی وارد شهرهای فلسطین شدند. ارتش اسرائیل از زمین و هوا به تخریب خانه های مسکونی، ساختمان ها و تاسیسات دولت خود گردان و کشتار مردم پرداخت. حتی بیمارستانها و آمبولانس هایی که درحال حمل مجروحین بودند از گزند این وحشی گری ها برکنار نمانده و بمباران و گلوله باران شدند. شمار زیادی از اماکن مسکونی به کلی با خاک یکسان شد. کشتار مردم فلسطین از همان آغاز، ازمحدوده نیروهائی که ممکن بود دست به عمل انتحاری بزنند فراتر رفت. بسیاری

صفحه ۲

سال نو را به مردم زحمتکش و مبارز ایران تبریک می گوئیم

صفحه ۳

تهدیدات اتمی امپریالیسم آمریکا

پی کسب هژمونی در سراسر جهان و تقسیم مجدد بازارهای جهانی است. درجهت پیشبرد این سیاست، اکنون در تلاش است تمام بازارهای منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی را به انحصار مطلق خود درآورد. این سلطه انحصاری، سوای منافع اقتصادی فوری آن، به لحاظ اهمیت استراتژیک منطقه، هم از جهت اقتصادی، به ویژه منابع انرژی آن و هم از جهت نظامی، جزئی از یک طرح وسیع تر در منازعات آتی قدرت های امپریالیست و سیاست های جهانی آمریکاست. از همین روست که در چند هفته گذشته که احتمال حمله نظامی آمریکا به عراق قوت گرفته است، تمام قدرت های ریز و درشت رقیب

صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تمام ابزارهای دیپلماتیک - سیاسی، نظامی و تبلیغاتی خود را برای پیشبرد مقاصد توسعه طلبانه خویش و تجدید تقسیم بازارهای جهان به خدمت گرفته است. سران دولت آمریکا شب و روز بر طبل جنگ می کوبند. روزی نمی گذرد که یک مقام سیاسی و یا نظامی آمریکا سخنرانی کند و یا مصاحبه ای داشته باشد، اما از جنگ سخن نگوید و تهدیدات نظامی را چاشنی صحبت خود نکند. ظاهرا صحبت از مبارزه با تروریسم است و مقابله با گسترش جنگ افزار های کشتار دستجمعی. اما در حقیقت این ادعا جزیک توجیه و دست اویز چیز دیگری نیست. واقعیت امر این است که امپریالیسم آمریکا پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق، در

چه باید کرد؟

مسئله زن در ایران، ۲۳ سال پس از قیام

کرده است. تصویری که در آن، زن درصحن دادگاهها، در رفت و آمد است تا هفت خوان قانون را طی کند تا یا طلاق بگیرد، یا سرپرستی فرزند را به دست آورد. راهروهای دادگاهها محلی است برای تحقیر، توهین و اعمال قوانین زن ستیز. تصویر فوق، بخشی از وضعیت زن ایرانی است که بیش از دو دهه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی از ابتدائی ترین حقوق محروم گردیده است. عمق و گستردگی ستم و فشاری که بر زنان در ایران اعمال می شود، نیاز به بازگوئی ندارد. زنان در جامعه امروزی ایران، هر یک به نحوی با بی حقوقی و تبعیض دست و پنجه نرم می کنند. برخی کمتر و برخی بیشتر. بخشی، از فشارهای اجتماعی و تضییق حقوق فردی در رنجند، و بخشی دیگر علاوه بر موارد فوق، با فقر و فاقه نیز دست و پنجه نرم می کنند. فشارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی بر زنان، طی ۲۳ سالی که از قیام بهمین ۵۷

صفحه ۶

متن سخنرانی رفیق مژده فرهی در مراسم بزرگداشت ۸ مارس در سوئیس.

نگاهی به تیتروها و مطالب جراید و مطبوعات، تصویری از وضعیت زنان در جامعه ایران ارائه می دهد. تصویری که در آن فقر، فساد، فحشا، خشونت، آزار، بی حقوقی و تضییقات متعدد، زن را به موجودی درجه دوم تبدیل

دراین شماره

تظاهرات ۵۰۰ هزار نفره ضد سرمایه داری و ضد جنگ در بارسلون صفحه ۸

گزارشی از کارخانه ایران نیدل صفحه ۷

مراسم چهارشنبه سوری به عرصه درگیری مردم با رژیم تبدیل شد صفحه ۷

اخباری از ایران صفحه ۳

ستون مباحثات : (طرح یک دیدگاه) صفحه ۵

براین استراتژی،

تاریخ مهر شکست زده است!

از مردم عادی و حتی نیروهای پلیس خود گردان که ظاهراً می بایستی مراقب اوضاع می بودند، هدف تهاجم نظامی اسرائیل واقع شدند. شمار قربانیان هر دم افزایش یافت. دولت تجاوزگر و صهیونیستی اسرائیل حتی وقتی که مجبور شد تحت فشار افکار عمومی، محاصره عرفات را لغو کند، رام الله را نیز به اشغال خویش در آورد. نزدیک به ۱۵۰ تانک به اضافه ۲۰ هزار سرباز اسرائیلی سراسر مناطق فلسطینی نشین را به اشغال خویش در آوردند. در جریان تجاوز نظامی ارتش اسرائیل، که در ۲۰ سال اخیر بی سابقه بود، صدها تن از مردم بی دفاع فلسطین کشته و هزاران تن دیگر مجروح و آواره شدند. ارتش متجاوز اسرائیل در جریان این هجوم وحشیانه نه فقط کلیه مناطقی را که در سال ۹۵ تخلیه کرده بود مجدداً به اشغال خویش در آورد، بلکه دامنه تجاوزات و یورش وحشیانه خود را به سایر مناطق و اردوگاه - های آوارگان فلسطینی نیز تعمیم داد. - معماری، البیره، جبلیا، طولکرم، جنین، تلاطه، رفح، قلقلیا، القدوه و برخی دیگر از اردوگاه های آوارگان فلسطینی مورد تهاجم فاشیستی قرار گرفت. نیرو های اشغال گر صهیونیستی خانه به خانه به پیگرد و شکار فلسطینیان پرداختند و صدها تن را به اسارت گرفتند.

دولت و ارتش صهیونیستی اسرائیل در طول این سه چهار ماه، به ویژه در طی یک ماه اخیر، با این اقدامات سبعانه و سرکوبگرانه خود، به راستی روی دولت نازیها در آلمان هیتلری را نیز سفید کرد. با این همه این کشتارها و خون ریزی ها و این اقدامات تجاوزکارانه، به رغم تصورات دولت صهیو - نیستی اسرائیل و حامی امپریالیست اش آمریکا، مسئله راحل نکرد. استراتژی نابودی دولت خود گردان با سرکوب و کشتار باز هم بیشتر، آریل شارون عامل اصلی کشتار صبرا و شتیلا و دولت وی را در عمل به بن بست کشاند. دامنه وسیع وحشی گری های ارتش متجاوز اسرائیل، افکار عمومی بین المللی را بیش از پیش علیه اسرائیل برانگیخت و کشور های عربی را نیز به موضع انداخت. اردن، مصر، لیبی، عربستان سعودی و پاره های دیگر از کشورهای عربی، ضمن ابراز نارضایتی از تهاجم نظامی اسرائیل به شهر های فلسطینی نشین، اقدامات شارون را محکوم کردند و از جامعه بین المللی خواستار دخالت فوری برای جلوگیری از ادامه سیاستهای تجاوزکارانه رژیم اسرائیل شدند. دولت روسیه و دولت - های اروپائی نیز تحت تاثیر فشار افکار عمومی خواستار تغییر رویه اسرائیل شدند. بحران به آنچنان مراحل حادی رسید که صدای اعتراض حتی از درون خود اسرائیل هم شنیده شد.

دولت آمریکا وقتی که پی برد از این طریق

در فلسطین به جائی نمی رسد، در آغاز از زبان وزیر خارجه اش، کالین پاول از آریل شارون که داشت اوضاع را بیش از پیش وخیم و متشنج می ساخت با لحن ملایمی به انتقاد پرداخت و از ضرورت بازنگری این سیاست صحبت به میان آورد. مسئله فلسطین و حادث شدن بحران در این رابطه، سیاست منطقه ای آمریکا را تحت الشعاع قرار داده بود. دولت آمریکا اکنون می بایستی به نحوی از انحاء از تشدید بحران میان فلسطین و اسرائیل که تمام منطقه را تحت تاثیر قرار داده و به کانون بحران در منطقه تبدیل شده بود همچون گردابی متدرجا کشورهای عربی رانیز به درون خود می کشید، جلوگیری نماید. چراکه این موضوع هدف اصلی آمریکا مبنی بر جلب حمایت دول عربی و سایر دولت ها برای حمله به عراق را مختل می کرد و به تعویق می انداخت. تصویب قطعنامه شماره ۱۳۹۷ شورای امنیت سازمان ملل در بیست و یکم اسفند ماه را، که در آن براز سرگیری مذاکرات طرفین برای دست یابی به یک راه حل سیاسی و همچنین بر تشکیل کشور مستقل فلسطین تاکید شده است و آمریکا به آن رای مثبت داد، بایستی در همین رابطه ارزیابی نمود. هر چند که در این قطعنامه هیچ سخنی از اشغال سرزمین فلسطین توسط رژیم اسرائیل به میان نیامده است و هر چند که به بیان کلی تشکیل کشور مستقل فلسطین اکتفا شده و از قلمرو این کشور مستقل و یا حدود اقتدار و اختیارات دولت آن هیچ بحث و سخنی در میان نیست، معهدا همین که سازمان ملل برای نخستین بار در اسناد خود به چنین خواستی رسمیت داد و آمریکا موضع حمایت آمیز اتخاذ نمود، این، قبل از هر چیز بیانگر شکست سیاست اعمال سرکوب و کشتار بیشتر و شکست استراتژی دولت صهیونیستی آریل شارون و حامی اصلی آن دولت امپریالیستی آمریکاست. در عین حال به دنبال این مسئله است که مقامات رسمی آمریکا از شارون خواستند عجلتا نیروهای نظامی خود را از رام الله خارج کند. از سوی دیگر پیشنهاد امیر عبدالله ولیعهد عربستان مبنی بر برسمیت شناختن کشور اسرائیل در قبال بازگرداندن سرزمین های اشغالی در جنگ ۱۹۶۷ می توانست به زیان اسرائیل تمام شود که آریل شارون در چنین شرایطی شرط و شروط پیشین خود برای مذاکره مبنی بر یک هفته آرامش مطلق را پس گرفت و در برخی از شهر های فلسطینی تانکها و ارتش اسرائیل را عجلتا از مناطق شهری عقب کشاند. وقتی که آنتونی زینی فرستاده آمریکا در روز ۲۳ اسفند وارد اورشلیم شد و با شارون به دیدار و مذاکره پرداخت و جمعه ۲۴ اسفند به دیدار عرفات که مهره های سوخته قلمداد شده بود رفت و با وی نیز به مذاکره پرداخت، هر چند این از نیاز دولت امپریالیستی آمریکا برای پیشبرد سیاست تجاوز کارانه و جنگ طلبانه اش به ویژه در رابطه با کشور عراق بر می خیزد، معهدا معنای دیگرش در حقیقت این بود که استراتژی دولت صهیونیستی و

حامی آن دولت آمریکا، مبنی بر محو و نابودی جنبش مقاومت فلسطین با سرکوب و کشتار بیشتر مردم با شکست روبرو شده است.

مسئله فلسطین اگر با تشدید فشار بر مردم فلسطین و آوارگان فلسطینی و اگر با سرکوب و خون ریزی بیشتر حل شدنی بود، می بایستی تاکنون حل شده باشد. سالهای گذشته به کنار، در جریان انتفاضه دوم که از سپتامبر دو هزار و پس از ورود عامدانه و تحریک آمیز آریل شارون به محلی در نزدیکی مسجد الاقصی آغاز شد، تا کنون بارها و بارها اماکن مسکونی فلسطینی نشین بمباران و تخریب شده است و بیشتر از هزار نفر از مردم فلسطین در اثر سیاست - ها و تجاوزات صهیونیستی جان خود را از دست داده اند. معهدا نه جنبش فلسطین محو و نابود شده است و نه خواست مردم فلسطین برای تشکیل یک کشور و دولت مستقل موضوعیت خود را از دست داده است. می توان باز هم مردم فلسطین را با درنده خوئی تمام کشتار و قتل عام کرد، می توان دهها صبرا و شتیلا آفرید، اما نمی توان از این طریق مبارزه و مقاومت مردم فلسطین را درهم شکست و خواست مردم ستم کشیده فلسطین را محو و نابود ساخت. تاریخ نیز مکرراً این حقیقت را به اثبات رسانده است و بر استراتژی نابودی جنبش های حق طلبانه با تشدید سرکوب و کشتار، مهر شکست زده است. صرف نظر از اینکه مذاکرات زینی با یاسر عرفات و آریل شارون در زمینه آتش بس، خروج کامل نیروهای اسرائیلی از شهرها و مناطق اشغال شده فلسطینی به چه نتایجی منجر شود، راست این است که مسئله فلسطین، بدون رعایت و تامین حق و حقوق مردم فلسطین و آوارگان فلسطینی، بدون تخلیه مناطق اشغالی و به رسمیت شناخته شدن حق مردم فلسطین در تعیین آزادانه سرنوشت خودشان برای تشکیل یک دولت مستقل، حل نخواهد شد.

کمک های مالی رسیده

هامبورگ

محمد رضا قصاب آزاد ۱۰ یورو
خاوران ۱۵ یورو
مازیار ۶۰ یورو

هلند

کاوه ۵۰ یورو

توضیح و تصحیح

در شماره ۳۷۶ نشریه کار قسمت کمک های مالی رسیده کد کانادا - اتاوا - بهمن ماه، ۲۵۰ دلار کانادا بوده که اشتباهاً ۵۰ دلار تایپ شده بود که بدین وسیله تصحیح می گردد.

اخباری از ایران

* کارگران ریسندگی رحیم زاده، خیابان را مسدود کردند

روزیست و پنج اسفند، ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه ریسندگی رحیم زاده در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود خیابان خمینی اصفهان را مسدود کردند. حدود ۶ ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است و علاوه بر این افزایش ۱۱ درصد حقوق سالانه نیز معوق مانده است. سرمایه داران نه تنها چند ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند و از افزایش ۱۱ درصد حقوق سالانه سر باز می زنند، بلکه مزایای کارگران از جمله مزایای افزایش تولید و لباس و امکانات کار را قطع کرده اند. کارگران با این اقدام اعتراضی، خواهان پرداخت فوری حقوق و مزایای معوقه شدند.

* تحسن کارگران کارخانه کامراد قم در مقابل استانداری

۲۷۰ تن از کارگران شرکت کامراد تولید کننده رادیاتور و شوفاژ که ۹ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند از روز ۲۶ اسفند به همراه خانواده های خود، در مقابل استانداری تجمع نمودند و خواهان پرداخت حقوق معوقه خود شدند. روز ۲۷ اسفند پلیس به تجمع کارگران حمله نمود. تعدادی را دستگیر و تعدادی را مصدوم نمود.

* استثمار وحشیانه کارگران نظافت چی

کارگران خانگی در ایران همواره در زمره محروم ترین و بی حقوق ترین بخش کارگران ایران بوده اند. بخشی از این کارگران نظافت چی هستند. در سالهای اخیر موسساتی در ایران دایر شده است که به اصطلاح موسسات کاریابی هستند. برخی از این بنگاه های دلالی، کارشان این است که برای کارگران نظافت چی منازل در روز کار پیدا کنند. کسانی که در خانه و یا حتی موسسات تجاری به نظافت چی احتیاج دارند، به این موسسات مراجعه می کنند. کارگرانی که از طریق این موسسات به کار واداشته می شوند، با بی حقوقی کامل روبرو هستند و حتی وضعیت - شان وخیم تر از دورانی است که بدون این واسطه های دلالی، در خانه ها کار می کردند. این کارگران اکنون در حالی که از هیچ حق و حقوقی به عنوان یک کارگر برخوردار نیستند، دستمزد بسیار ناچیزی دریافت می کنند. استثمار این کارگران چنان وحشیانه است که روزنامه همشهری نیز با درج یک گزارشی آن را منعکس می کند.

سال نو را به مردم زحمتکش و مبارز ایران تبریک می گوئیم

آخرین روزهای سال ۱۳۸۰ سپری می شود و توده های زحمتکش مردم ایران با امید و آرزوی زندگی بهتر به استقبال سالی نو می شتابند. سال نو در حالی آغاز می گردد که ادامه سلطه جابرانه و ستمگرانه جمهوری اسلامی در ایران، توده مردم را همچنان در انقیاد و اسارت نگهداشته و در نتیجه سیاست های ارتجاعی این رژیم، اکثریت عظیم مردم، کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان با فشارها و تضییقات متعدد مادی و معنوی روبرو هستند. شرایط مادی و معیشتی میلیونها تن از مردم زحمتکش به درجه ای از وخامت رسیده است که سه چهارم جمعیت ایران زیر خط فقر به سر می برند. جمعیتی متجاوز از ۵ میلیون بیکار و گرسنه اند. تلاش و زحمت شبانه روزی کارگران به جائی نمی رسد و سطح دستمزد چنان نازل است که حتی جوایگوی حداقل معیشت آنها نیست. سالی نو فرا می رسد، عید نوروز است، اما میلیون ها زن و مرد کارگر و زحمتکش و حقوق بگیر سطح پائین، با عذاب و بدبختی روبرو هستند. آنها نمی توانند حتی یک دست لباس نو برای فرزندان خود بخرند. مسئولان همه فجایع و بدبختی نیز نظام طبقاتی سرمایه داری حاکم بر ایران و رژیم سیاسی پاسدار آن، جمهوری اسلامی است. اما توده مردم ایران تنها از وخامت شرایط مادی و معیشتی در رنج و عذاب نیستند، تضییقات و فشارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حکومت اسلامی، شرایط زندگی معنوی مردم ایران را به درجه غیر قابل تحملی وخیم نموده است. رژیم ترور و اختناق، مردم را از ابتدائی ترین حقوق مدنی، دموکراتیک و سیاسی محروم کرده است. زنان ایران حتی از حقوق انسانی خود محروم اند. اکثریت عظیم جوانان از امکانات لازم رفاهی، آموزشی و فرهنگی، تفریحی و ورزشی محروم اند و روزمره با تضییقات و فشارهای متعدد روبرو هستند.

تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ بهبودی بر این اوضاع متصور نیست. در طول دو دهه گذشته همواره اوضاع وخیم تر شده است. در سالی که اکنون سپری می شود نیز وضعیت مادی و معیشتی و شرایط زندگی معنوی مردم وخیم تر از همیشه است.

مردم ایران این واقعیت را دریافته اند که با وجود جمهوری اسلامی نه بهبودی در وضعیت مادی و معیشتی آنها صورت خواهد گرفت و نه در زندگی سیاسی و اجتماعی شان. از همین روست که مبارزه توده های برای سرنگونی رژیم پیوسته شدت و وسعت گرفته است.

در طول یک سال گذشته، مبارزات علنی و مستقیم توده مردم انقلابی، رژیم را هیچگاه آرام نگذاشته است. در طول یک سال، کمتر روزی بدون اعتصاب، راهپیمایی، تظاهرات و شورش گذشت. کمتر کارخانه ای را می توان سراغ گرفت که کارگران به یک یا چند شکل از اشکال مبارزه از جمله اعتصاب، تحسن، راهپیمایی، تظاهرات، تجمع، سنگربندی در خیابانها و جاده ها متوسل نشده باشند. دانشجویان در موارد متعدد دست به اعتصاب، تحسن و راهپیمایی زده اند. معلمین به اعتصاب، راهپیمایی و شورش و قیام متوسل شده اند. جوانان از هر فرصتی برای تظاهرات و شورش علیه رژیم استفاده کرده اند. زنان در تمام این مبارزات نقشی فعال برعهده داشته اند.

رشد و گسترش روزافزون این مبارزات، بیانگر چیرد دیگری جز این واقعیت نیست که توده های مردم ایران به مبارزه ای مصممانه برای سرنگونی رژیم روی آورده اند. این مبارزات، که هنوز پراکنده اند، هنگامی ضربه قطعی را به رژیم وارد خواهند آورد، که به اشکال عالی تری ارتقاء یابند و اعتصاب عمومی سیاسی در ایران شکل بگیرد. این اعتصاب، مقدمه ای بر قیام مسلحانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. با اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه است که توده های مردم ایران می توانند به حیات نئکین جمهوری اسلامی و جنایات و فجایع بی شمار آن پایان بخشدند و با استقرار یک حکومت شورائی، سرنواشت خود را در دست بگیرند.

با این امید که نوروز سالی دیگر را بر ویرانه های نظم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود جشن بگیریم، عید نوروز و سال جدید را به کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان و روشنفکران انقلابی تبریک می گوئیم.

سنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۸۰/۱۲/۲۷

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

تهدیدات اتمی امپریالیسم آمریکا

از صفحه ۸ تظاهرات ۵۰۰ هزار نفره ضد سرمایه داری و ضد جنگ در بارسلون

چنین چند تشکل همجنس گرایان متشکل هستند در پایان گروه سومی که نام "فروم اجتماعی بارسلون" را داشت و شامل ۴۵ حزب و سازمان چپ و کمونیست، چند اتحادیه کارگری، چند تشکل غیر دولتی (ANG) می‌شدند. این گروه سوم خواسته‌های مشخص‌تری را "علیه جنگ" برضد سیاست‌های آمریکا در خاور میانه و "علیه نژاد پرستی و سرکوب پلیس" مطرح می‌کرد. همان‌گونه که انتظار می‌رفت دولت اسپانیا برای جلوگیری از ورود انبوه تظاهرکنندگان اقدام "به لغو موقت قرارداد شنکن" کرد و مرزها را مسدود نمود. علاوه بر آن دست کم حضور ۸ هزار نیروی پلیس در شهر بارسلون به شهرسپاری یک حکومت نظامی داده بود. در تظاهرات ۱۷ مارس درگیری‌ها بین مخالفان نظام سرمایه داری و نیروهای سرکوبگر پلیس روی داد که طی آن ۵۰ نفر دستگیر و دهها نفر زخمی شدند. در روز ۱۶ مارس نیز پلیس اسپانیا اقدام به دستگیری یک سوندی، یک هلندی، یک اسلونیایی، یک فرانسوی، ۱۵ اسپانیایی، ۲ آلمانی و یک انگلیسی مخالف اروپایی سرمایه‌داری و جنگ کرده بود تاجو رعب و وحشت بیشتری را برای تظاهرات بزرگ ۱۷ مارس ایجاد کند. اما این اقدام پلیس نتیجه‌ای در پی نداشت.

مخالفان سرمایه داری و جنگ که هر روز متشکل تر می‌شوند و از نظر کمی بر تعداد آنان افزوده می‌گردد، اقدامات دیگری را برای ادامه مبارزه در نظر گرفته اند که در ماه‌های آینده به مرحله عمل می‌رسند.

اهداف امپریالیسم آمریکا در مرحله کنونی - ست تغییری پدید نمی‌آورد. اگر از اسامی کشورهای که در این میان مطرح شده اند بگذریم، خود طرح چیز جدیدی نیست. فرض این که امپریالیسم آمریکا تا کنون طرح مشابهی برای به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای نداشته و حالا پس از یازده سپتامبر چنین طرحی ارائه می‌شود، پوچ و بی‌معناست. در واقع چنین طرح‌هایی در دوران جنگ سرد وجود داشته اند؛ اما در توازن موجود در آن ایام که به توازن وحشت موسوم بود، امکان مطرح شدن نداشتند. اما امروز که آن توازن برهم خورده است و اساسا دیگر وجود ندارد، طرح علنی مسئله در خدمت پیشبرد سیاست‌های آمریکا است. اکنون که امپریالیسم آمریکا خود را در عرصه نظامی بدون رقیب می‌بیند، هم در رابطه با پیشبرد سیاست خود در لحظه کنونی در منطقه وهم برای جنگ و دندان نشان دادن به رقبای خود، صریحا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای می‌کند. هرچند که طرح این مسئله اکنون بیشتر یک جنگ روانی و تبلیغاتی است؛ اما امپریالیسم آمریکا که سراسر دوران موجودیش با جنگ و جنایت و کشتار عجب است و تنها کشور جهان است که از بمب اتم استفاده کرده و دست به کشتار دستجمعی در ژاپن زده است؛ ابائی نخواهد داشت که هر جامنافع اش ایجاد کند، بار دیگر از سلاح‌های کشتار دستجمعی همچون بمب اتم استفاده کند. واقعیت این است که از این پس، تهدید به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای بخشی از سیاست امپریالیسم آمریکا برای سلطه بر جهان خواهد بود.

آمریکا که منافع خود را در خطر می‌بیند؛ از اروپا گرفته تا روسیه، چین و ژاپن؛ با طرح‌های نظامی آمریکا که در وهله نخست عراق را هدف قرار داده است؛ به مخالفت برخاسته اند و تضادهای آنها با آمریکا تشدید شده است. چرا که آنها می‌دانند سقوط صدام در عراق و استقرار یک رژیم دست‌نشانده آمریکا در این کشور، پایان ماجرا نخواهد بود و پی‌آمد آن از دست رفتن بازار ایران و برخی کشورهای دیگر منطقه خاور میانه و آسیای مرکزی است که اکنون در تصرف آنها قرار دارد. تحت تاثیر این تضادهاست که درست در همین لحظه اتفاق دیگری رخ می‌دهد؛ آمریکا قول و قرارهای تجاری خود را زیر پامی‌گذارد؛ بر واردات فولاد تعرفه‌های سنگین وضع می‌کند و مناقشه بر سر این مسئله نیز بالا می‌گیرد. معذا در حالی که در این مناقشات، سیاست آمریکا تعرضیست؛ مخالفت رقبای وی به ویژه بر سر مسائل خاور میانه تدافعیست. تدافعی بودن موضع آنها نیز بیانگر چیز دیگری جز ضعف قدرت اقتصادی و نظامی - شان در مقایسه با آمریکا نیست. این واقعیتی بدیهی است که سلطه قدرت‌های امپریالیست بر جهان و سهم آنها از بازار - های جهان رابطه‌ای مستقیم با قدرت اقتصادی و نظامی آنها دارد و همین قدرت است که همواره مسئله تجدید تقسیم بازار - های جهان را به نفع یکی و به زیان دیگران حل کرده است. لذا تعجب آور نخواهد بود که به رغم این مخالفت‌ها، آمریکا همچنان برای پیشبرد سیاست‌های خود و استفاده از اهرم‌های نظامی در خدمت این اهداف تلاش می‌کند. چند روز پیش جرج بوش در سخنرانی خود، ۶ ماه پس از ۱۱ سپتامبر مجددا تاکید نمود که آمریکا پیگیر برنامه‌های خود است و دست روی دست نخواهد گذاشت. اکنون نیز نمایندگان خود را به چند کشور فرستاده است تا زمینه حمله نظامی به عراق را مهیا کند. در همین بحبوحه است که روزنامه لوس آنجلس تایمز خبر از یک گزارش محرمانه می‌دهد که در ۱۸ ژانویه توسط بوش به کنگرس داده شده است. در این گزارش از احتمال استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه روسیه، چین، کره شمالی، لیبی، سوریه، ایران و عراق، در مواردی که وضعیتی ویژه اجرای یک عمل نظامی ویژه را ایجاد می‌کند، به عنوان اقدامی تلافی جویانه در برابر حملات اتمی، شیمیایی و بیولوژیک و یا اهدافی که قادر به مقاومت در برابر حملات غیر اتمی باشند، سخن به میان آمده است. بحث بر سر این که آیا مفاد این سند محرمانه واقعا به بیرون درز کرده و در روزنامه فوق الذکر انتشار علنی پیدا کرده است؛ یا این که انتشار آن کار سیا و خود مقامات آمریکائی - ست؛ در محتوای آن که سیاستی در خدمت

از صفحه ۲

اخباری از ایران

* اعتراض به سفر خاتمی در اطریش

در اعتراض به سفر خاتمی به اطریش، سازمان - ها و گروه‌های سیاسی مختلف، دست به یک رشته آکسیون زدند. فعالین سازمان ما نیز به همراه سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی، چریکهای فدائی خلق و گروهی از عناصر مترقی و انقلابی، کمیته‌ای به نام کمیته هماهنگی سازمان دادند و در طول سه روز با برپائی تجمعات، پخش اعلامیه به زبان‌های فارسی و آلمانی، برپائی نمایشگاه عکس از جنایات رژیم، اعتراض خود را نسبت به حضور خاتمی در اطریش ابراز داشتند.

در این گزارش گفته شده است که ۷۵ درصد دستمزد کارگرانی که به نظافت منازل و بنگاه‌های تجاری اشتغال دارند به بنگاه‌هایی که مسئول کاریابی و جذب مشتری برای این کارگران هستند تعلق می‌گیرد. تصورش را بکنید که چه استثمار وحشیانه‌ای حاکم است. از کل دستمزدی که باید به کارگر تعلق بگیرد، ۷۵ درصد آن به موسسه کاریابی تعلق می‌گیرد و تنها ۲۵ درصد نصیب کارگرمی‌شود. خبرنگار روزنامه همشهری در پایان گزارش نوشته است که بر روند کار این موسسات هیچ نظارتی صورت نمی‌گیرد.

بیست و چهارمین سال انتشار نشریه کار

را با ایمان به پیروزی طبقه کارگر. آغاز می‌کنیم

* کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کا ربه ابراز نظرات مدافعین سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاصی یابد.
* مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب می گردد.
* هر مقاله ای که برای درج در این ستون ارسال می گردد حداکثر می تواند حدود ۲۰۰۰ کلمه یا در دو صفحه نشریه کار باشد.

"طرح یک دیدگاه"

اخیرا دو مقاله از رفیق توکل خواندم . اولی در ارتباط با کتاب "شورشیان ارمانخواه" در آخرین شماره نشریه ارش و دیگری با عنوان "توسعه سرمایه داری یاسوسیالیزم" در نشریه کانون پژوهشی نگاه - دفتر هشتم.

گاهنامه ارش در آخرین شماره خود - دیماه ۸۰ - در ارتباط با کتاب شورشیان ارمانخواه نوشته مازیار بهروز اقدام به چاپ و انتشار مصاحبه با تنی چند از شخصیت‌های سیاسی جنبش فدائی انجام داده است. شخصیت هائی که تا قبل از انشعاب ۵۹ همه زیر نام "سازمان چریک های فدائی خلق ایران" مبارزه می کردند و امروز هر کدام گرایش فکری - سیاسی خاصی رانمایندگی می کنند. گرایشات متفاوت و بعضا متضاد . از فرمیسم ضد انقلابی تا رادیکالیسم انقلابی و دفاع از منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان ایران . اولین مصاحبه باریفقی حیدر صورت گرفته که مصاحبه ای است نسبتا طولانی و خواننده بیشترین اطلاعات را می تواند از وضعیت سازمان در سالهای ۵۷-۵۰ از این مصاحبه بگیرد و دیگری نه مصاحبه بلکه مقاله ای است از رفیق توکل. مقاله رفیق توکل در واقع همان مقاله مندرج در نشریه کارسازمان است که پیشتر در ستون پاسخ به سوالات نشریه کار در ارتباط با نظر سازمان به کتاب شورشیان ارمانخواه درج گردیده بود با کمی اضافات آن. آنچه مرا به تامل و نوشتن این ستور ترغیب نمود نه نقد و بررسی مضمون و محتوای مصاحبه ها مقاله که - اساسا به لحاظ اطلاعاتی از موقعیت سازمان در سالهای ۵۷-۵۰ درصالحیت من نیست و نخواهد بود - بلکه بیشتر می خواهم به نحوه نگاه و نگرش سازمان به اینگونه مسائل و اهمیت وقت گذاشتن و با حوصله کافی به کنکاش موضوع رفتن و نیز استفاده بهینه از فرصت هائی به دست آمده برای طرح دیدگاه و مواضع سازمان در تریبونهای دیگر همانند نشریه ارش بپردازم. پس از خواندن مصاحبه ها و مقاله رفیق توکل - اولین سئوالی که در ذهن خواننده شکل می گیرد اینست که چرا با دیگر افراد پرداختن به موضوع کتاب شورشیان ارمانخواه به صورت مصاحبه های طولانی جامع، مبسوط و کامل صورت گرفته اما باریفقی توکل به عنوان نماینده سازمان فدائیان اقلیت نه تنها چنین مهمی صورت نگرفته بلکه فقط به درج مقاله ای انهم نه چندان مبسوط اکتفا گردیده است. آیا این نقیصه و نقصان را باید در نحوه نگاه و نگرش و کم لطفی دست اندرکاران نشریه ارش جستجو کرد یا در نگاه و نگرش رفیق توکل در اهمیت موضوع و لاجرم، وقت نگذاشتن و با حوصله کافی به کنکاش موضوع نرفتن، انهم در کنار مصاحبه های دیگران که به حد کافی با حوصله به موضوع پرداخته اند، درست یا نا - درست بودن دیدگاهی مورد بحث من نیست.

فرصتی دست داد تا در یک دیدار حضوری با یکی از رفقا به طرح موضوع بپردازم. رفیق در جواب پرسش من مطرح کردند که این نقیصه از طرف نشریه ارش صورت گرفته است و درست زمانی که نشریه آماده چاپ بود با رفیق توکل تماس گرفته می شود و چون فرصت مصاحبه نبوده با توجه به اهمیت موضوع، رفیق تصمیم به ارسال مقاله فوق می گیرد. پذیرش کم لطفی نشریه ارش و دست اندرکاران آن پنجاه درصد از بار مسئولیت موضوع می کاهد. چنانکه در مقاله درج شده در نشریه کار هم سازمان به طور مختصر و در نگاهی کلی انهم بیشتر به انگیزه نویسنده، مترجم و دستان پیدا و نهان سازمان اطلاعات ایران و بورژوازی درمخوش کردن صف انقلاب و ضد انقلاب و نیروهای مدافع طبقاتی آن می پردازد که تا اینجای مسئله، سازمان درک درستی از کتاب ارائه می دهد. اما آیهامه موضوع کتاب شورشیان ارمانخواه در همین مطلب خلاصه شده است. اینکه نویسنده کتاب کینه و دشمنی کور و هیستریکی با سازمان فدائیان اقلیت و به تبع آن رفیق توکل از خود بروز داده و درجای جای صفحات کتاب که به جنبش فدائی پرداخته میشود است که خوشبختانه رفیق توکل با متانت و سعه صدر در مقاله ارسال برای ارش فقط به ذکر این دشمنی کور نویسنده اکتفا کرده و به دفاع شخصی نمی پردازد. اما مسائل بیشماری در کتاب طرح گردیده که ذهن هر خواننده ای را در هجوم تبلیغاتی بورژوازی و ضد انقلاب و فرمیسم مترصد فرصت، به خود مشغول خواهد کرد و چه بسا ایجاد توهم نماید. داشتن مواضع انقلابی و برحق، نیمی از حقیقت است که نیمه دیگر آن، تدوین، ارائه و نشر آن و باز تدوین متکاملتر و ارائه بیشتر و نشر گسترده تر آن می باشد و این سیکل گردش هرچه سریعتر و گسترده تر صورت گیرد حقیقت ملکه ذهن افراد بیشتر و در نهایت ملکه

ذهن جامعه خواهد شد. به اعتقاد من بیان و جانداختن مواضع سازمان تا جائیکه ملکه ذهن همه هواداران و جنبش چپ گردد، می بایست از طریق نوشتار، گفتار و سخنرانی های مداوم از زوایای مختلف توضیح و تشریح گردد. دست یافتن به یک حقیقت نیمی از حقیقت است و نباید پنداشته شود که چون ما به حقیقت دست یافته ایم با یکبار طرح و گفتار آن دیگر نیازی به تکرار نیست و موضوع را از بدیهیات بدانیم و دیگر حوصله تکرار و توضیح دو باره و چند باره انرا نداشته باشیم. وقتی دیگران افکار ارتجاعی و رفرمیست خود را فقط بر اثر تکرار و باز هم تکرار در ذهن و جان جامعه می افشانند، چرا ما حقیقت زندگی و مبارزه را نتوانیم با تکرار و باز هم تکرار در آمیخته با زبان و ادبیات زمینی در روح و جان جامعه و طبقه کارگر و زحمتکشان میهنمان نشو و نما دهیم. من می پذیرم برای تبلیغ و ترویج، نیاز به امکانات است و سازمان در این زمینه با مشکلات عدیده ای روبروست خصوصا مشکلات مالی. مهم دست یافتن به این نگاه و نگرش است که با دست یافتن به حقیقت، موضوع را تمام شده تلقی ننماییم، لذا با چنین درک و نگاهی نه تنها منتظر نمی مانیم تا نشریات و تریبونهای که به لحاظ چهارچوب ها و معیار های پرنسبسی سازمان می توانیم در آنها به نشر و بیان مواضع خود بپردازیم از ما دعوت کنند، بلکه خود درصدد ارتباط گیری درست و مناسب با آنها کام خواهیم برداشت و زمینه را برای همکاری مناسب فراهم خواهیم کرد. حال اگر با چنین نگاه و درکی به موضوع مورد بحث بنگریم شاهد این نقصان در مقاله مندرج در نشریه کار هم خواهیم بود که خیلی مختصر و کوتاه در ارتباط با کتاب شورشیان ارمانخواه به بحث می نشیند. اما با خواندن مقاله دوم تر رفیق توکل در نشریه نگاه، خواننده به درکی متفاوت از آنچه در مقاله شورشیان ارمانخواه می خواند دست می یابد. خوشبختانه در پاسخ به سوالات نگاه که با تنی چند از شخصیت های دیگر هم صورت گرفته مقاله رفیق توکل به لحاظ مضمون، محتوا و درک طبقاتی از سرمایه داری و سوسیالیزم از برجستگی خاصی نسبت به دیگر مقالات برخوردار است. پاسخ رفیق بهشش سئوال ارائه شده توسط نشریه نگاه به حوصله، به درو از هرگونه کاربرد شعاری و از همه مهمتر با به کارگیری زبان و ادبیات زمینی که برای هر خواننده ای قابل فهم باشد انجام گرفته - بدون اینکه از بار علمی مقاله کاسته شود و با به درکی عامیانه سوق داده شود. که خود ناشی از حوصله و وقت گذاشتن برای تبیین پاسخ به سئوالات مطروحه در نگاه بوده است. که طبیعتا باید ناشی از اهمیت موضوع در ذهن نویسنده باشد و لاجرم من خواننده نیز پس از خواندن مقاله جانی تازه خواهم گرفت و پاهایم توان ایستادن و گام برداشتن در مسیر طولانی و پر فراز و نشیب رسیدن به آزادی و فراخانی سوسیالیزم را خواهد یافت. با تاملی دیگر به دیگر موضوعات و مقولات مهم جنبش از منظر و نگاهی که در این مختصر تلاش گردید به طرح آن پرداخته شود، می توان به دو مقوله شوراها و بحران حکومتی و حل انقلابی آن اشاره کرد. در مورد بحران حکومتی تلاش و پیگیری برای تشریح بحران حکومتی و تبیین حل انقلابی آن، امروزه به جد و مدام در نشریه کار دنبال می شود و هربار از زاویه های و لاجرم متکامل - تر و پخته تر از پیش تبیین می گردد. آیا همین تلاش و پیگیری در بدیل جمهوری اسلامی - حکومت شورائی - صورت گرفته و می گیرد. تا همه درک روشنی از نوع حکومت و حاکمیت فردای بعد از جمهوری اسلامی داشته باشیم. آیا حکومت شورائی، ابتدا به ساکن در تمام ابعاد و زوایای خود ملکه ذهن ما و دیگر پیشروان جنبش انقلابی ایران گردیده تا به تبع آن بتواند ملکه ذهن جامعه و نیروی مادی پیشبرنده انقلاب گردد یا اینکه به انتظار خواهیم ماند تا فردای بعد از سقوط جمهوری اسلامی به تبیین همجانبه زوایای روشن و تاریک آن بنشینیم و لاجرم شاهد شقه شقه شدن دیگری در درون جنبش انقلابی ایران گردیم. همانند آنچه بر سر جنبش بعد از فردای قیام بهمن ۵۷ آمد. خلاصه کلام، داشتن مواضع انقلابی و دفاع از منافع طبقاتی طبقه کارگر، نیمی از حقیقت است و نیمه دیگران، صد البته مهمتر، تدوین، ارائه و نشر آن و باز هم تدوین متکاملتر و ارائه بیشتر و نشر گسترده - تر آن می باشد و این سیکل گردش هرچه سریعتر و گسترده تر صورت گیرد حقیقت مدام باز تولید خواهد شد و ملکه ذهن افراد بیشتر و در نهایت ملکه ذهن جامعه خواهد شد. به اعتقاد من این نحوه نگاه و نگرش در درون سازمان هنوز نهادینه نگردیده است و بدان سبب ما شاهد فراز و نشیب هائی در نوع نگرش و اهمیت دادن بدان می باشیم اگر چه روند حرکت روندی رو به جلو و مثبت می باشد.

چه باید کرد؟

مسئله زن در ایران، ۲۳ سال پس از قیام

می گذرد، بخش اعظم زنان را به درجات مختلف هدف گرفته است. زنان به فراخور وابستگی طبقاتی شان، به نحوی از انحاء در چنبره بی حقوقی ها قرار دارند. از همین روست که پتانسیل عظیمی در میان زنان جهت مبارزه و مقابله با تبعیضات جنسی و در مبارزه با جمهوری اسلامی موجود است. این پتانسیل کدام است و چگونه می توان این انرژی نهفته را در خدمت پیروزی تحولات و تغییرات رادیکال به کار گرفت. قبل از پاسخ به این سؤال، در نظر بگیریم چنانچه امروز تحولی در شرف وقوع باشد، وضعیت جامعه، زنان و نیروهای رادیکال و انقلابی چیست؟

جامعه ایران، ۲۳ سال پس از قیام، در یک بحران سیاسی- اقتصادی به سر می برد. ففرو فلاکت اقتصادی، بیکاری، تورم بیداد می کند تعطیل کارخانجات و مراکز تولیدی، شکست سیاست های اقتصادی، عدم وجود تامین اجتماعی اوضاع را وخیم تر می سازد. علاوه بر مسائل اقتصادی، خفقان، سرکوب و فقدان آزادی های سیاسی و دمکراتیک در جامعه، امکان تشکل و مبارزه متشکل و موثر را محدود نموده است. نقض حقوق فردی، تحدید آزادی ها، توهین و تحقیر در جامعه، سلطه قوانین قرون وسطایی، فرهنگ متحجری که به زور سرکوب و شلاق و سنگسار در جامعه اعمال می شود، نا رضایتی و اعتراض را در جامعه روز به روز گسترش می دهد. به غیر از افشار و طبقاتی که از قبل وضعیت موجود، ثروت های افسانه ای به جیب می زنند و یا پاسدار تحجر و ارتجاع اند، آحاد جامعه هر یک به طریقی به رویارویی با وضعیت موجود کشانده شده اند. در این میان، زنان که علاوه بر فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سرکوب، ستم مضاعفی را به صرف زن بودن حس می کنند، نقش مهمی در رقم زدن اعتراضات داشته و دارند. میزان این فشارها از همان فردای قیام، به نحوی بوده که روز به روز عرصه های بیشتری از زندگی اجتماعی و فردی زن را مورد حمله قرار داده است. حاکمیت دولت مذهبی، ارتجاعی ترین قوانین را به مورد اجرا گذارده و اختاپوس وار به زندگی زن حمله کرده است.

از همین روست که زنان متناسب با وضعیت اقتصادی- اجتماعی خود، فشارهای فوق را با گوشت پوست و خون لمس کرده اند. همین امر موجب می شود که زنان در مقایسه با ۲۳ سال پیش، هنگامی که قیام ۵۷ به وقوع پیوست، نسبت به خواستها و مطالبات خود آگاه تر شوند چرا که طی زندگی روز مره خود، محدودیت های متعدد را تجربه می کنند. بافت جوان جمعیت ایران و به تبع آن زنان، روحیه تعارض و مخالفت را افزایش می دهد. طی سالهای اخیر، به رغم محدودیت های که در داخل ایران اعمال شده، ارتباطات فرامرزی با عقاید

نظرات، شیوه ها و روش های زندگی در خارج از ایران، بخشی از زنان، خصوصاً زنان جوان ایران را باندنیایی دیگر آشنا کرده است. دنیایی متفاوت از آنچه که در ایران تحت حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی است. این نسل جوان و معترض، فاقد یک چیز است: تجربه فعالیت و تشکل و مبارزه. امری که به خاطر اعمال سرکوب وسیع و گسترده در جامعه، غیر ممکن بوده است. نیروهای چپ انقلابی و رادیکال ایران نیز در مقایسه با ۲۳ سال پیش، هنگامی که موج قیام توده ای در گرفت، در وضعیت متفاوتی به سر می برند. چپ انقلابی به رغم فراز و نشیب های دو دهه اخیر، به رغم سرکوب و وحشیانه رژیم، تضعیف نیروها، از دست دادن کادرها و اجبار به دوری از جامعه، به تجارب فراوانی دست یافته است. در زمینه عملی و نظری در خصوص مسئله زنان گامهای متعدد و موثری برداشته است. چپ انقلابی با بررسی وضعیت جامعه در سالهای گذشته، ضمن جانبداری از تحولات رادیکال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از الترناتیوی دفاع می کند که رفع تبعیض و نابرابری زنان، در سرلوحه آن قرار دارد. چپ جوان ایران اگر در مقطع قیام ۵۷، در صفوف مبارزات زنان، به حجاب اجباری اعتراض می کرد، امروز به طرح جدایی دین از دولت می پردازد. چرا که دولت مذهبی نافی و ناقض هرگونه دمکراسی و آزادی است و زن را به شهروند درجه دو تبدیل کرده است. چپ در برنامه خود از لغو ستم و تبعیض زنان، از لغو قوانین ارتجاعی چون تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک جانبه، تکفل و سرپرستی فرزندان، لغو قوانین تبعیض آمیز، الغاء مقررات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار سخن می گوید. از برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی دفاع می کند. خواهان تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهد کودک به منظور کاهش باری است که بردوش زنان است. در یک کلام چپ از لغو تبعیض و ستم بر پایه جنسیت دفاع می کند و خواهان حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان است. در عرصه عملی، فعالین چپ طی ۲۳ سال گذشته، تجارب فراوانی در زمینه فعالیت حول مسائل زنان کسب کرده اند. دفاع از مبارزات انقلابی زنان ایران، انعکاس صدای اعتراض آنها به جهانیان، ترجمه آثار و متون مربوط به آزادی و رهایی زنان، جمع بندی، تدوین مطالبات زنان و گنجاندن آنها در برنامه های مبارزاتی حاصل این تلاشهاست. اتکا به این تجارب و دست آوردها است که چپ در فردای تحولات، نقش موثری در زمینه تاثیر گذاری در مبارزات زنان ایفا خواهد نمود.

حال که وضعیت جامعه، زنان و نیروهای چپ در برخورد به مسئله زنان را اجمالاً از نظر گذرانیم، باید دید که کمبود و نقصان چیست که ما شاهد مبارزه متشکل و موثر زنان نیستیم.

حلقه گم شده در این میان، عدم وجود تشکل و مبارزه ای متشکل، بیگیر و هدفمند است. با وجود ستم و فشارهای متعددی که طی سالیان گذشته در جامعه ایران اعمال شده است، هنوز مبارزه ای متشکل از سوی زنان دیده نمی شود. اعتراضات پراکنده، موردی و زود گذر نیز فاقد آن خصلت و جوهره ای هستند که پیروزی آنها را تضمین کند. لذا آنچه ضروری است: تشکل است و تشکل و تشکل. بدیهی است نیروهای چپ، به طور مشخص فعالین زن چپ، وظیفه خطیری در این میان بر عهده دارند. چرا که این نیروها ضمن مشارکت در مبارزات انقلابی زنان، ایده تشکل و مبارزه بیگیر را تبلیغ می کنند و بر ضرورت آن تاکید می ورزند. نیروهای چپ تنها با تاکید بر تشکل های مستقل زنان، می توانند ایده ها و اهداف انقلابی زنان را تقویت کنند، تغذیه شوند و تجارب خود را منتقل کنند. تاکید بر تشکل مستقل زنان از دو جنبه حائز اهمیت است: ۱- زنان به طور عام و زنان ایران بخاطر وضعیت سیاسی- اجتماعی موجود تحت حاکمیت سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به طور خاص، فاقد تجربه مبارزه متشکل بوده هستند. اگر زنان در وجه عام به خاطر مشارکت نازل در عرصه اجتماعی و تولیدی، کانال ها و امکان گردهمایی، مشورت، همکاری، همفکری و برنامه ریزی اعتراض را ندارند، تشکل زنان مفیدی برای رهایی از چهار دیواری خانه هاست.

۲- تشکل مستقل زنان، ابزاری را به وجود می آورد که زنان فراخور مطالبات و نیاز های خود، در آن گردهم می آیند، تعیین هدف می کنند، خواست خود را طرح و مبارزه حول آن را سازمان می دهند. به طور مثال هم اکنون که زنان حدود ۲/۸ میلیون از ۳۷ میلیون جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند، بخش عظیمی از زنان خارج از بازار کار قرار دارند. جهت بسیج و سازمان دهی این جمعیت عظیم می توان به فراخور خواست ها و مطالبات تشکلهای محلات زنان بیکار، خانه دار، . . . را تشکیل داد. وجود چنین تشکل های، زنان هم سرنوشت را گردهم می آورد و به مبارزه می کشاند. وجود چنین تشکل های، همچنین پیگیری مبارزات زنان را در توده ای ترین شکل تضمین می کند. مادام که چنین تشکلهایی که با شرکت زنان ذینفع در خواستها و مطالبات مطروحه هر تشکل و مداخله و فعالیت زنان و فعالین چپ، به وجود نیامده باشند، از مبارزه موثر، هدفمند طولانی مدت و پیگیر نمی توان سخنی به میان آورد. تجارب جهانی نیز موید این امر است که در شرایطی که زنان صرفاً بدون سازماندهی و تشکل در جنبش و مبارزات شرکت کرده اند، یا دست آورد چشمگیری کسب نکرده و یا قادر به حفاظت از دستاوردها نبوده اند.

۲۳ سال پس از قیام ۵۷، در پاسخ به این سؤال که برای رهایی از تبعیض و نابرابری زنان چه باید کرد، باید بر ضرورت سازمان دهی، تشکل و مبارزه تاکید و در این راستا حرکت کرد.

گزارشی از کارخانه ایران نیدل

این گزارش را یکی از رفقای کارگر برای نشریه کار ارسال نموده است.

شرکت ایران نیدل

تولید این شرکت سر سرنگ یک بار مصرف می باشد که حدودا از سال ۱۳۷۰ شروع به کار نموده و خط تولیدش به راه افتاده است. این شرکت دارای سه سالن اصلی می باشد که به ترتیب: سالن فلزی، سالن پلاستیک و سالن مونتاژ می باشد.

سالن فلزی: این سالن کار تراش و نوک سوزن را انجام می دهد.

سالن پلاستیک: تولید قطعات پلاستیکی شرکت در این سالن انجام می شود. سالن مونتاژ: در مرحله آخر، مونتاژ قطعات تولید شده دو سالن دیگر را انجام می دهد. تولیدات این شرکت به صورت فله ای و بدون استریل بوده و توسط شرکتهای سرنگ سازی سطح کشور خریداری و پس از استریل همواره با سرنگ به بازار عرضه می شود. در این شرکت تقریباً ۲۵۰ نفر مشغول به کارند. که اکثریت آن را مردان و تعداد کمتری رازنان تشکیل می دهند. تقریباً ۷۰ تن از کارگران زن هستند. تعدادی از پرسنل در قسمتهای: تراشکاری، برق، خدمات، انبار، نگهداری و آزمایشگاه مشغول به کار بوده که تعداد آنها اندک می باشد.

قسمت اعظم کارگران در سه سالن فلزی، پلاستیک و مونتاژ مشغول به کار می باشند. تعداد کارگران در دو سالن فلزی و مونتاژ بیشتر از سالن و جاهای دیگر می باشد. این شرکت در سال های گذشته خط تولید موفقی داشته ولی با گذشت زمان و رقابت در بازار سرمایه داری و استفاده از مواد اولیه ارزان قیمت و کم کیفیت برای کسب درآمد بیشتر و طمع زیاد که در سرمایه داری ایران امری کاملاً معمول می باشد، باعث شد که طی دو سال گذشته، شرکت سیر نزولی داشته باشد و تولیدات آن که قبلاً به صورت پیش فروش عرضه می شد و بازار خوبی داشت در انبار شرکت انباشته شود. خریداران داخلی به خاطر واردات جنس های خارجی با کیفیت بهتر و قیمت مناسب تر، از خریداری تولیدات این شرکت خودداری کردند. کارفرمایان نیز فشار بار رکود و بحران را به دوش کارگران انداختند. پرداخت دستمزدها به تعویق افتاد. یک سری مزایای کارگران از جمله بن کارگری، پاداش حق تولید و لباس کار قطع شد. کارفرمایان به دلخواه خودشان ساعات کار را که در زمان خوب بودن وضع شرکت، به ۱۲ ساعت در روز می رسید و حتی روزهای تعطیل هفته را کار می کردیم، کاهش دادند و مدیرعامل شرکت با وعده و وعید می کوشید کارگران را به آینده شرکت خوش بین کند تا صدای آنها در نیاید. معهدا اعتراضات کارگری که از قبل آغاز شده بود ادامه یافت.

حرکت های اعتراضی کارگران از سال ۷۶ در حالی آغاز شد که ۱۲ ساعت کار در روز اجباری بود و روزهای تعطیل از جمله جمعه هم کار اجباری بود و کارگران تقاضای کار ۸ ساعت در روز را داشتند و این اعتراض در

چند نوبت به دلیل اندک بودن تعداد کارگران معترض سرکوب می شد. در شهریور ۷۹ همان طور که گفتیم در نتیجه سیاستهای ارتجاعی کارفرمایان وضعیت شرکت دچار رکود شد. البته با ۱۰ الی ۱۵ روز تاخیر در دادن حقوق و قطع کردن پاداش شروع شد و تا این اواخر یعنی پانزده زمستان ۸۰ به ۳ الی ۴ ماه دیر کرد رسید. کارگران در طی سال گذشته با حرکت های انفرادی ۲ یا ۳ نفره، خواستند که جلوی این مسائل ایستادگی کنند که به اخراج یک هفته ای آنها منجر شد و خیلی زود حرکتها سرکوب می شد. مشکلاتی از قبیل تاخیر در پرداخت حقوق، پاداش و بن کارگری و نبودن بهداشت در سطح شرکت و وسائل ایمنی جهت کار در سالنها (از قبیل کلاه، ماسک و کفش ایمنی) گاهی اوقات نبود کفش ایمنی باعث می شد که در حین کار سوزنهای نوک تیز تراش داده شده در پای کارگران فرو برود. همچنین آب آشامیدنی مناسب هم وجود نداشت، چون در محیط شرکت چاه عمیق مخفیانه زده بودند و در آب ذرات شن و ماسه و گاهی اوقات کرم هم دیده می شد. آلودگی هوای سالن ها، نبود وسائل گرمائی در زمستان و خنک کننده در تابستان، همه اینها باعث شد که کارگران از وضعیت موجود ناراضی باشند و در دی ماه ۷۹ تعدادی از کارگران دستگاههای سالن فلزی را خاموش کردند که کارفرما با سپر بلا کردن کارگران قراردادی (که در صورت ادامه اعتراضات آنها را اخراج می کند) این حرکت خنثی شد. در بهمن ۷۹ کارگران به علت امضاء نکردن لیست حقوق و بیمه مورد تهدید قرار گرفتند که با ادامه این کارها کارگران قرار دادی موقعیت خوبی نخواهند داشت و کارفرما آنها را اخراج می کند و از آنجائی که کسی موافق اخراج کارگران قراردادی نبود باردیگر این حرکت هم خنثی شد. در اسفند ۷۹ درحالی که چند روز به عید مانده بود و کارگران هنوز عیدی و حقوق اسفند خود را دریافت نکرده بودند در حیطات شرکت تحصن کردند و خواستار پرداخت عیدی و حقوق خود شدند. بالاخره کارفرما مجبور به پرداخت آن شد. در شهریور ۸۰ به علت طولانی شدن مدت پرداخت نمودن حقوق از طرف کارفرما به مدت ۴ ماه، کارگران سالن فلزی و مونتاژ در یک حرکت اعتراضی دست به اعتصاب زدند و وقتی صبح وارد شرکت شدند داخل سالن نشده و لباس عوض نکردند و در حیطات جمع شدند، بعد از ۴ ساعت که دستگاههای شرکت خاموش بود، رئیس اداری شرکت با پیغامی که از طرف رئیس شرکت که از تهران تماس تلفنی گرفته بود به کارگران قول داد که طی ۲ الی ۳ روز آینده تمامی حقوق عقب افتاده آنها را پرداخت خواهد کرد و از کارگران خواست که به سر کار خود برگردند. معهدا کارفرمایان نه تنها به وعده خود عمل نکردند بلکه تعدادی از فعالین این حرکت اعتراضی را اخراج کردند. بعدا هم با استخدام حدود ۶۰ تن از کارگران قرار دادی در آبان ماه که البته در ازای استخدام هر یک از آنها مبلغ ۳ میلیون نیز به کارفرما وام داده شد، جلو اقدامات اعتراضی کارگران گرفته شد.

مراسم چهارشنبه سوری

به عرصه درگیری

مردم با رژیم تبدیل شد

مردم ایران از هر فرصتی و مناسبتی برای ابراز ناراضی خود از وضع موجود و نشان دادن مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی و سیاست های آن استفاده می کنند. اکنون دیگر مدتی ست که حتی، چهارشنبه سوری هم به پدیده ای سیاسی تبدیل شده است. جمهوری اسلامی با جشن و شادی مردم ستیز می ورزد و با سنت های مانده از دوران باستان نظیر جشن نوروز، چهارشنبه سوری و نظائر آن مخالف است. جمهوری اسلامی زیر فشار مردم ناگزیر شد، رسمیت عید نوروز را بپذیرد والا در همان نخستین سال به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، سران رژیم بسیار کوشیدند که عید نوروز را منسوخ و ممنوع نمایند. چهارشنبه سوری که حتی قبل از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی خود به خود منسوخ شده بود، در دوران جمهوری اسلامی به عرصه ای برای رویارویی مردم با رژیم تبدیل شد و بیشتر به عرصه جشن و شادمانی مردم در مخالفت با رژیم تبدیل گردید. لذا امسال هم مراسم چهارشنبه سوری یک هفته زودتر به صورت مراسم جشن و شادی برگزار شد و در بیشتر شهرها به عرصه درگیری میان مردم و نیروهای سرکوب رژیم تبدیل شد. این مراسم که از بعد از ظهر سه شنبه آغاز و تا نیمه های شب ادامه یافت، مورد یورش نیروهای سرکوب حکومت اسلامی قرار گرفت. در تهران مراسم چهارشنبه سوری در مناطق شمال و غرب همراه با درگیری و تیراندازی نیروهای پلیس بود. در تهران پاس، مردم، بسیجیان رامتواری کردند و رژیم تنها با گسیل گروه کثیری از واحدهای ضد شورش توانست بر اوضاع مسلط شود. در جریان درگیری نیروهای ضد شورش با مردم، در تهران صدها تن دستگیر شدند. در شیراز نیز این مراسم به درگیری با نیروهای ضد شورش انجامید و دهها تن دستگیر شدند. در مشهد نیز متجاوز از ۷۰ تن دستگیر و روانه زندان شدند. در جریان این درگیری ها تعدادی نیز مصدوم و در بیمارستان ها بستری شدند. در تعداد دیگری از شهرهای ایران نیز گروهی از مردم، صرفاً به علت برگزاری جشن و شادی در مراسم چهارشنبه سوری دستگیر شده اند. اما همانگونه که تا کنون در طول چند سال اخیر، در موارد متعدد نشان داده است، این اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه دیگر نمی تواند مردم و مبارزات آنها رامهار کند. بالعکس این سرکوبگری های رژیم، مردم را در مبارزه مصمم تر خواهد ساخت.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

گرامی باد خاطره جانباختگان فدائی

در طول ۳۱ سالی که از حیات سازمان می گذرد، صدها تن از بهترین رفقای ما به خاطر اهداف انسانی و آرمانهای سوسیالیستی خود، در نبرد با دشمنان آزادی و سوسیالیسم جان باختند. در ۲۵ اسفند سالروز جانباختگان فدائی، یاد همه این رفقا را گرامی می داریم و بار دیگر بر عهد و پیمان خویش در مبارزه برای پیروزی طبقه کارگر و نابودی نظام سرمایه داری تاکید می کنیم.

تظاهرات ۵۰۰ هزار نفره ضد سرمایه داری و ضد جنگ در بارسلون

روزهای اجلاس، از استفاده از اتومبیل تا شعاع ۱۰ کیلومتری محل نشست خودداری نمایند. فاصله میان فرودگاه و محل برگزاری جلسه، کلا بسته شد. دیواری بتونی به طول یک کیلومتر گرداگرد محل کشیده شد. از یک هفته قبل، هواپیماهای بمب یاب طی تمام ساعات شبانه روز بر فراز شهر در پرواز بودند. قرار داد شکنی به منظور جلوگیری از ورود تظاهر کنندگان خارجی به اسپانیا لغو شد و ۸ هزار نیروی مسلح پلیس ضد شورش شهر را قرق کردند.

به رغم این تدابیر، موجی از اعتراضات طی روزهای برگزاری اجلاس به راه افتاد و بار دیگر، سیاستهای ضد کارگری اتحادیه محکوم گردید.

روز یکشنبه ۱۷ مارس، یکی از بزرگ ترین تجمعات مخالفان سرمایه داری و جنگ در شهر بارسلون برپا شد. این تظاهرات به دنبال اجلاس سران اتحادیه اروپا که برای روزهای ۱۵ و ۱۶ مارس در این شهر در نظر گرفته شده بود انجام شد و در آن نزدیک به پانصد هزار نفر شرکت کردند.

تظاهر کنندگان بارسلون در پشت باندرولی در حرکت بودند که بر روی آن نوشته شده بود: " علیه اروپای سرمایه، جهان دیگری ممکن است". سه گروه بزرگ این تظاهرات را تدارک دیده بودند که هر کدام از آنها شامل گروه - های مختلفی بودند. گروه اول " کار زار علیه اروپای سرمایه و جنگ" نام داشت که شامل یک صد و پنجاه سازمان و انجمن است که " علیه سرمایه داری، علیه جنگ و برای توسعه ای دیگر" توافق نظر دارند. گروه دوم شامل انجمن هائی بود که در درون آن پاسیفیست ها، فعالان انجمن " اتاک"، انجمن های زنان و ضد نژاد پرستی و هم

نشست سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا که طی روزهای ۱۵ و ۱۶ مارس سال جاری در بارسلون اسپانیا برگزار شد، تعرض آشکار دیگری به دست آوردهای کارگران را آغاز نمود. در این اجلاس سران دولتهای عضو با اتخاذ یک رشته تصمیمات از جمله آزادسازی - بخوان خصوصی سازی - برق و گاز کشورهای اروپایی، اشتغال، بیمه و زندگی میلیونها کارگر اروپا را نشانه گرفتند. از جمله مهم ترین مصوبات می توان به افزایش و شناور ساختن ساعات کار، محدود نمودن بیمه اجتماعی و لغو تدریجی قراردادهای دائم اشاره کرد.

از مدت ها قبل از این اجلاس، اکثر اتحادیه های کارگری مخالفت و نگرانی خود را از حمله وسیعی که در شرف تکوین بود، اعلام داشتند. سخنگوی اتحادیه های کارگری اروپا، یک هفته قبل از اجلاس از نتایج اجلاس ابراز ناامیدی کرد و گفت در مصوبات این نشست، صحبتی از کیفیت اشتغال آفرینی و کار دائم در میان نخواهد بود. حتی احزاب به اصطلاح سوسیال - دمکرات اروپا نیز نغمه مخالفت سر دادند.

از همین رو، این مجموعه شرایط، موجی از مخالفت و اعتراض را در کشورهای مختلف دامن زد. اتحادیه های کارگری فراخوان شرکت در تظاهرات در بارسلون را اعلام نمودند. دهها هزار کارگر از کشورهای مختلف از جمله انگلیس، هلند، فرانسه، ایتالیا، بلژیک راهی اسپانیا شدند.

دولت اسپانیا که سال گذشته در هراس از اعتراضات، اجلاس سران اروپا را لغو نموده بود، این بار شدیدترین تدابیر سرکوبگرانه را به کار گرفت. از هفته ها قبل شهر ۳ میلیون نفره بارسلون صحنه تاخت و تاز پلیس و نیروهای ضد شورش بود. از اهالی خواسته شده بود طی

در صفحه ۴

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No.377mart 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی